



اثر گذاری اختلال فن آوران بر جایگاه ژئواکونومیک کشورها: مطالعه موردی ایران*



مژگان موسوی نقلی** - دکتر امیرمحمد حاجی یوسفی*** دکتر مسعود موسوی شفائی****

This is an open access article under the CC BY license (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>). **چکیده**

امروزه فن آوری، علاوه بر تسهیل امور در حوزه‌های مختلف، نقشی اختلال‌گرانه نیز یافته است. اختلال فن آوران، ناظر بر این کارکرد فن آوری است که با تغییر قواعد بازی و مؤلفه‌های حاکم بر منطق عملکرد، طیف وسیعی از مسائل بین‌المللی دستخوش دگرگونی می‌شوند. این تغییرات، موقعیت کشورها را به نسبت انطباق یا عدم انطباق با شبکه‌های ارزش و عملکرد جدید، متأثر می‌کند. ژئواکونومی نیز به عنوان بستری مهم در عرصه رقابت‌های نوظهور، مشمول اختلال فن آوران شده، که به سهم خود، زمینه را برای جابجایی جایگاه کشورها در عرصه بین‌المللی فراهم می‌کند. در همین راستا، پرسش اصلی مقاله عبارت است از اینکه اختلال فن آوران چگونه موقعیت کشورها را در حوزه ژئواکونومیک متأثر می‌کند و به جابجایی جایگاه آن‌ها در عرصه بین‌المللی منجر می‌شود؟ پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی در پی تبیین مسأله مورد نظر است. هدف این پژوهش، بررسی تاثیر اختلال فن آوران بر مولفه‌های فضا و قدرت-عناصر تشکیل دهنده ژئواکونومی- و ارزیابی جایگاه ژئواکونومیک ایران به عنوان مطالعه موردی، از رهگذر چارچوب مورد نظر است. نتیجه کلی پژوهش نشان می‌دهد که فن آوری از یک سو با شکل دادن به چرخش فضایی، موجب شبکه‌ای شدن فضای عملیاتی کشورها و حاکمیت جریان‌ها شده، و عاملیت مستقل کنشگران در حوزه ژئواکونومی را با تردید مواجه کرده است؛ از سوی دیگر، فن آوری با کمک به فرآیند اعمال قدرت در فضای شبکه‌ای، به عنوان تنظیم‌کننده و جهت‌دهنده به جریان‌های راهبردی بدیل، این امکان را مهیا می‌سازد که جایگاه کشورها در متن قرار گرفته یا به حاشیه رانده شود. **کلیدواژگان:** اختلال فن آوران، ژئواکونومی، چرخش فضایی، شبکه، جریان‌ها، ایران.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری مژگان موسوی نقلی با راهنمایی دکتر امیرمحمد حاجی یوسفی است.

** دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی.

*** نویسنده مسئول، دانشیار و عضو هیأت علمی گروه سیاست جهانی و منطقه‌ای دانشگاه شهید بهشتی. / ایمیل:

am-yousefi@sbu.ac.ir

**** دانشیار و عضو هیأت علمی گروه روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس.

مقدمه

از گذشته‌های دور، دولت‌ها به دلیل تمایل به رهبری و ترس از عقب‌ماندگی، فن‌آوری‌ها را توسعه داده‌اند. رهبری فن‌آورانه در طول تاریخ اهمیت ویژه‌ای در سیاست قدرت‌های بزرگ داشته‌است، با اینحال به طور سنتی بر فن‌آوری نظامی متمرکز بود. با توسعه سلاح‌های هسته‌ای، نوآوری‌های نظامی به سطحی از قدرت تخریب رسیدند که محاسبات هزینه و سود را در پیگیری اهداف سیاست‌خارجی، تغییر داده و استفاده از زور به دلیل تحمیل هزینه گزاف بر کشورها، تا حد زیادی از معادلات سیاسی بین‌المللی کنار گذاشته‌شد. از سوی دیگر، فن‌آوری به عنوان عاملی کلیدی در رشد اقتصادی و رقابت‌پذیری دولت‌ها ایفای نقش کرد. این امر منجر به تغییر رقابت قدرت از قلمرو ارتش و نیروی نظامی به حوزه‌ی اقتصادی و در نتیجه ظهور گفتمان ژئواکونومی و تفوق آن بر گفتمان امنیت‌محور ژئوپلیتیک گشت. اگرچه در حوزه مطالعات راهبردی، این دو رهیافت از آبشخور فکری مشترکی برخوردارند؛ در میزان پیچیدگی، بازیگران، اهداف و ابزار رسیدن به آن‌ها متفاوتند. «ژئوپلیتیک به تجزیه و تحلیل توزیع و پیکربندی قدرت در سیستم بین‌المللی و تأثیرات آن بر روابط بین دولت‌ها و همچنین به ریخت‌شناسی استراتژیک فضای جهان می‌پردازد. در مقابل، ژئواکونومی زمینه تجزیه و تحلیل ژئوپلیتیک را محدودتر می‌کند و بر قدرت اقتصادی متمرکز می‌شود. در ژئواکونومی، عوامل اقتصادی، منطبق توزیع قدرت و مشخصات رقابت بین دولت‌ها را تعیین می‌کنند» (Jaeger, 2020: 24). «بنا بر تعاریف مشترک و موجود، ژئواکونومی با مبانی اقتصادی قدرت سر و کار دارد که دارای یک بعد جغرافیایی مشخص است. به عبارت دیگر، ژئواکونومی با پیوند وثیق میان اضلاع سه‌گانه سیاست، اقتصاد و جغرافیا، رابطه بین قدرت و فضا را پوشش می‌دهد» (Scholvin and Wigell, 2018: 74).

در این میان، توسعه فن‌آوری علاوه بر نقش مهمی که در ظهور گفتمان ژئواکونومی داشته، در هر دوره‌ای متناسب با تحولات شگرف و اخلال‌گر خود، به بازتعریف قواعد حاکم بر فضا و همچنین مولفه‌های قدرت و رقابت منجر شده است. به این اعتبار که فن‌آوری به عنوان شاخصی مهم از «قدرت رفتاری» (توانایی کنترل نتایج)، «قدرت منابع» (قابلیت‌های عینی کشورها) را به صورت سازنده یا مخرب تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای مثال، اولین انقلاب صنعتی - اواسط قرن هجدهم - با مکانیزه کردن کشاورزی و توسعه‌ی ماشین‌های بخار، نقش نیروی انسانی در صنعت را متحول کرد. دومین انقلاب صنعتی - اواسط قرن نوزدهم - که به عنوان موج اول جهانی شدن شناخته می‌شود؛ با بهبود کارایی تولید در کارخانه‌ها، حمل‌ونقل ریلی و ارتباطات از طریق تلگراف، منجر به بزرگترین رشد اقتصادی تاریخ بشریت شد. سومین انقلاب صنعتی - اواسط قرن بیستم - یک

¹. Behavioral Power

². Power of Sources

انقلاب دیجیتال بود. ریزپردازنده‌ها و ترانزیستورها، انقلابی در صنعت ایجاد کردند و فن آوری هسته‌ای در این عصر، حیاتی شد. در این دوره، زنجیره ارزش جهانی به طور فزاینده‌ای پیچیده و موج جدیدی از جهانی شدن به دلیل ترکیب کاهش هزینه‌های حمل و نقل، اقتصاد لیبرال، تقسیم بین‌المللی کار و توزیع بین‌المللی قدرت، پدیدار شد. امروزه نیز انقلاب چهارم صنعتی - به تعبیر کلاوس شواب^۱ - در زمینه هوش مصنوعی، بیوتکنولوژی، اینترنت اشیا و... عصر حاضر را به دوره‌ای متفاوت بدل کرده است که در آن فن آوری با «سرعت، دامنه و تأثیر بیشتر بر روی سیستم بین‌المللی» نقش آفرینی می‌کند.

بدین ترتیب، وضعیت موجود در سیستم بین‌المللی به طور مداوم مختل می‌شود؛ زیرا نوآوری‌های فن آورانه، ابزارهای جدیدی را ایجاد می‌کنند که موجب تغییر در توزیع بین‌المللی قدرت می‌شود. مطابق با این اختلالات، پتانسیل‌های ژئواکونومیک کشورها با تحول کاربری مواجه شده و دولت‌ها با ایجاد انحصارات، سعی در تغییر موازنه وابستگی دارند. توانایی دولت‌ها در کاهش یا سرعت بخشیدن به انتشار فن آوری و سرمایه‌گذاری در این زمینه نیز، به طریق اولی، مبنایی برای جابه‌جایی موقعیت کشورها در نردبان قدرت است. از همین جا بن‌مایه و دال مرکزی بحث، حول این گزاره شکل می‌گیرد که ویژگی و کارکرد فن آوری، عامل تعیین‌کننده پلتفرم و تغییردهنده اصلی قواعد بازی در حوزه‌های مختلف بین‌المللی از جمله ژئواکونومی است. «بنابراین، فن آوری نه در قامت یک شی و ابزار، بلکه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر ایجاد چارچوب جدید در روابط بین‌الملل موضوعیت می‌یابد» (Stepien, 2016: 2).

با عنایت به این مقدمات، پرسش اصلی مقاله حول این مسأله شکل می‌گیرد که اختلال فن آورانه چگونه موقعیت ژئواکونومیک کشورها را به عنوان بستری برای اعمال قدرت آنها متاثر می‌کند؟ نتیجه‌ی کلی پژوهش حاکی از آن است که اختلال فن آورانه، موجب تحول در پلتفرم ژئواکونومی - یعنی قدرت و فضا - می‌شود. فن آوری از یک سو با شکل دادن به چرخش فضایی، باعث شبکه‌ای شدن فضا و حاکمیت جریان‌ها شده و عاملیت مستقل کنشگران را با تردید مواجه کرده است. از سوی دیگر، پیشرفت فن آوری با کمک به فرآیند اعمال قدرت در فضای شبکه‌ای و به عنوان تنظیم‌کننده و جهت‌دهنده به جریان‌های راهبردی بدیل، امکان مرکزیت یا به حاشیه رانده شدن کشورها در عرصه ژئواکونومی را فراهم می‌آورد. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و استناد به منابع کتابخانه‌ای در پی تبیین مسأله مورد نظر است. ارزیابی جایگاه ژئواکونومیک ایران به عنوان مطالعه موردی، از رهگذر چارچوب مفهومی مورد نظر، می‌تواند راهنمایی برای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در راستای بهره‌مندی حداکثری از پتانسیل‌های بالقوه‌ی ژئواکونومیک این کشور باشد.

^۱. Klaus Schwab

۱- پیشنهاد پژوهش

ظرف چند دهه گذشته، اندیشمندان در حوزه‌های موضوعی مختلف، آثار روشنگرانه‌ای را در مورد نقش فن آوری در تحولات جهان معاصر ثبت کرده‌اند. در پاره‌ای از پژوهش‌ها، حوزه داخلی جوامع مورد توجه بوده‌است. سارن^۱ و دئو^۲ در مقاله‌ی «جهانی‌شدن، جمعیت‌شناسی، تکنولوژی و اضطراب‌های سیاسی جدید»، از پیشرفت‌های فن آوران به عنوان مشخصه‌ی اصلی جهانی شدن یاد می‌کنند که موجب تغییر در الگوهای تولید، توزیع، مشاغل سنتی و تمرکز بر مهارت‌های دیجیتالی و اقتصاد غیررسمی می‌شود. نویسندگان استدلال می‌کنند که گسست از الگوهای پیشین اقتصادی، به همراه نابرابری‌های گسترده عصر حاضر، موجب اضطراب‌های اقتصادی و هویتی برای افراد شده و نتایج سیاسی مخربی در پی دارد که عمده‌ترین آن، گرایش به سیاست‌های ناسیونالیستی است (Saran and Deo, 2018: 32-41). نقطه قوت مقاله، تلاش برای پردازش مفهوم اختلال به عنوان ویژگی معرف فن آوری و نقطه ضعف آن، در نظرنگرفتن فن آوری به عنوان متغیر مستقل است.

طیف دیگری از اندیشمندان، تأثیر اختلال فن آوران را به حوزه‌ی رقابت‌های بین‌المللی بسط داده‌اند. لودیسینا^۳ و همکاران در مقاله‌ی «رقابت، اختلال و فریبکاری: روندهای جهانی ۲۰۱۸-۲۰۲۳»، ضمن اشاره به نبرد چین و آمریکا بر سر رهبری جهان در حوزه فن آوری؛ استدلال می‌کنند که سایر کشورهای جهان بسته به اینکه چگونه استانداردهای جهانی و سرمایه‌گذاری‌های رقابتی در این حوزه را بپذیرند، جایگاه متفاوتی در نظام جهانی می‌یابند (Laudicina and et.al., 2018: 1-28). در همین زمینه، سیوریاک^۴ در مقاله «اختلال ژئواکونومیک: نظری در مورد علل، پیامدها و بازخوردهای سیاسی»، دوره‌ی پس از انقلاب صنعتی را به سه عصر متمایز صنعتی، مبتنی بر دانش (KBE)، و مبتنی بر داده (DDE) تقسیم‌بندی و استدلال می‌کند که تحولات هر عصر در کنار ابزارهای قدرت اقتصادی-اندازه‌ی بازار داخلی، ارائه ارز بین‌المللی، امکان نفی دسترسی به فن آوری‌های حیاتی و قدرت در موسسات بین‌المللی-عامل تعیین‌کننده رهبری جهان در فرآیند انتقال قدرت به ویژه در رابطه با خیزش چین است (Ciuriak, 2019: 1-11). نقطه‌ی قوت این آثار در نظرگرفتن فن آوری به عنوان متغیر مستقل است. نقطه‌ی ضعف، توجه عمده به چالش‌ها و پتانسیل‌های کشورهای پیشرفته صنعتی و عدم پرداختن به رقابت کشورهای کمتر توسعه‌یافته و چالش‌های آنهاست.

دسته‌ی دیگر که بر رقابت ژئوپلیتیک کشورها متمرکزند، قرابت بیشتری با پژوهش حاضر

^۱. Saran

^۲. Deo

^۳. Laudicina

^۴. Ciuriak

دارند. فیشر^۱ در مقاله‌ی «نوآوری فن آورانه و ژئوپلیتیک انرژی»، با بحث پیرامون فن آوری‌های نوین در حوزه نفت و گاز شیل، پیشرفت‌های فن آورانه را، تعیین‌کننده‌ی پویایی‌های ژئوپلیتیکی این حوزه در آینده می‌داند (Fischer, 2018: 45-63). دیزن^۲ در کتاب «سیاست قدرت بزرگ در چهارمین انقلاب صنعتی» مولفه‌های قدرت ژئواکونومیک را در سه مورد کنترل صنایع استراتژیک، کریدورهای حمل و نقل و ابزارهای مالی و اقتصادی خلاصه می‌کند. وی ضمن بررسی تأثیرات هر کدام از انقلابات صنعتی بر مولفه‌های یاد شده، نتیجه می‌گیرد که حاکمیت فن آورانه در هر دوره‌ای کلید برهم زدن توازن قدرت و تبدیل شدن به قدرت بزرگ است (Diesen, 2021: 21-38). نقطه‌ی قوت این آثار، تمرکز بر تأثیر فن آوری بر عناصر به ظاهر ایستای جغرافیایی است. نقد آن‌ها، محدود شمردن عناصر قدرت و عدم توجه به اثرگذاری فن آوری بر سایر شاخص‌هاست. در مقام نوآوری و تمایز با آثار فوق، مقاله حاضر با وجود تأسی از دسته دوم و سوم پژوهش‌ها - که بر قلمرو بین‌المللی متمرکزند - اثرگذاری اختلال فن آورانه را محدود به رقابت‌های سنتی حاکم بر مناسبات بین‌المللی نمی‌داند و بر این فرض استوار است که فن آوری با شکل‌دهی به پلتفرم جدید، مفهوم مزیت و چالش‌های ژئواکونومیک را از دوران سنتی به عصر نوین سوق داده است.

۲- چارچوب مفهومی و مبانی نظری

در این بخش تلاش می‌شود تا چارچوب مفهومی و مبانی نظری مقاله تشریح شود.

۲-۱- چارچوب مفهومی

به تعبیر فوکو، دانش قدرت است. امروزه نیز به تأسی از این دیدگاه، فن آوری را منشأ قدرت در روابط بین‌الملل ارزیابی می‌کنند. فن آوری همواره به عنوان یکی از عوامل تغییردهنده بازی در عرصه بین‌المللی، در نظریات مختلف روابط بین‌الملل، بازتاب داده شده است. «آنجا که واقع‌گرایان از نقش فن آوری در تغییر توازن قدرت در معادلات نظامی یاد می‌کنند؛ لیبرال‌ها آن را اهرمی می‌دانند که با تغییر در امور تجاری، مالی و اطلاعاتی، وابستگی متقابل را تسهیل می‌بخشد؛ و سازه‌انگاران فن آوری را سازوکاری برای تغییر در معانی، ایده‌ها و روندها معرفی می‌کنند» (Acuto et. al., 2019: 7). با این حال، فن آوری فراتر از اینها، مهمترین عامل شکل‌دهنده به «پلتفرم» فضای بین‌المللی است؛ «یعنی که قادر است امکانات جدیدی معرفی کند. امکان جدید به خودی خود به معنای فعلیت نیست؛ بلکه احتمال بالایی برای ارائه‌ی گزینه‌های جدید فراهم می‌آورد - برای نمونه یک دستگاه جدید فقط در را باز می‌کند و کسی را مجبور به ورود نمی‌کند، با اینحال یک در تازه باز شده، دیگران را به ورود دعوت می‌کند. به عبارتی، فن آوری ترکیب انتخاب‌ها را تغییر می‌دهد و موجب حذف گزینه‌های سنتی انجام امور می‌شود» (Mesthene, 1968: 135-135). در همین راستا،

¹. Fischer

². Diesen

«اختلال فن‌آورانه ناظر بر وقفه‌ها و تغییرات در وضعیت موجود است که چشم‌انداز واقعیت و الگوهای تجربی زندگی را دگرگون می‌کند و موجب ایجاد پلتفرمی با قوانین جدید برای کنش و رقابت می‌شود» (Passi and Pant, 2018: 3-4).

اختلال فن‌آورانه، ریشه‌های تاریخی قابل توجهی دارد. ایده اولیه‌ی آن به آثار مارکس و انگلس برمی‌گردد که انقلاب مداوم در شیوه تولید و اختلال بی‌وقفه در تمام موقعیت‌های اجتماعی را ویژگی معرف سرمایه‌داری مدرن می‌دانستند. این یعنی تغییرات در فن‌آوری تولید، به طور اجتناب‌ناپذیر و قطعی، تعیین‌کننده‌ی فرهنگ و ساختار اجتماعی است و چرخه پرشتاب فناوری در پرتو جایگزینی‌های مداوم، سرانجام به تخریب سرمایه‌داری منجر می‌شود» (Reader & Fortalezza, 2016: 79). این ایده از «مانیفست کمونیست» به ادبیات کسب‌وکار و آثار جوزف شومپتر^۱ راه پیدا کرد. وی با بهره‌گیری از مفهوم «تخریب خلاقانه»، ایده خود را بر مبنای تغییرات مداوم فن‌آورانه که تحول درونی ساختار اقتصادی را موجب می‌شود؛ مطرح نمود (Schumpeter, 1942: 82). «به باور شومپتر، واقعیت اقتصادی-اجتماعی، حرکت به سوی جستجوی مداوم جدید بودن و داشتن مزیت رقابتی است که به واسطه فن‌آوری محقق می‌شود. تحولات فن‌آورانه، به‌طور درون‌زا از دل سیستم می‌آیند و با سازوکارهای دگرگون‌کننده و تطبیقی، به تحول فضای اقتصادی شکل می‌دهند» (Kogler, 2017: 706).

با این حال، کریستنسن^۲ نخستین کسی بود که در کتاب «معضل نوآوری»، واژه‌ی اختلال را برای توصیف ویژگی برهم‌زنندگی فن‌آوری به کاربرد. «اختلال از نقطه نظر او، به وضعیتی اشاره دارد که در چارچوب آن، نوآوری‌های فن‌آورانه و تغییراتی که به واسطه آن در بازار رخ می‌دهد، مزیت سنتی و قابلیت رقابتی شرکت‌های بزرگ را به چالش می‌کشد و در جابه‌جایی قدرت و رقابت بین شرکت‌های سنتی و نوظهور تعیین‌کننده است» (Christensen, 1997). کریستنسن، در تقسیم‌بندی فن‌آوری‌ها به دو گروه تکاملی و انقلابی، اختلال را ویژگی اساسی دسته دوم معرفی می‌کند. فن‌آوری محل از مرز تحولات تکاملی می‌گذرد و از قدرت تغییر پارادایم حاکم بر حوزه‌های موضوعی مختلف، برخوردار است.

به عنوان مثال، تحولات فن‌آورانه‌ی نظامی در جنگ جهانی دوم، مفهوم جنگ دریایی را تغییر داد. جنگ‌های دریایی از آن پس، فقط به درگیری‌های رو در رو، محدود نمی‌شدند و پایگاه‌های آسیب‌ناپذیر می‌توانست از صدها مایل دورتر مورد حمله قرار گیرد. توسعه بعدی موتورهای جت و پیشرفته‌های هسته‌ای، پیشرفت‌هایی در حمل‌ونقل هوایی بودند اما پارادایم جدید درگیری دریایی را به طور قابل توجهی تغییر ندادند (Bidwell and MacDonald, 2018: 13). بدین ترتیب، در

^۱. Joseph Schumpeter

^۲. Christensen

رابطه با تحولات فن‌آوری، همیشه فضای عملیاتی بسیار وسیع‌تری وجود دارد که باید دیده و به مشکله تبدیل شود. «به‌عبارتی، اختلال فن‌آورانه نباید به شیفتگی در رابطه با جدیدترین پیشرفت و یا آخرین ابزار خارق‌العاده محدود شود. فن‌آوری‌ها همه چیز را تغییر نمی‌دهند ولی در هر دوره‌ای، منطق جدیدی ایجاد می‌کنند که به واسطه آن، موقعیت، ارزش و کارکرد پدیده‌ها تغییر می‌کند؛ مجموعه‌های اجتماعی - فنی شکل می‌گیرند و دریچه‌ای جدید برای چگونگی ساخت و جاسازی قدرت فراهم می‌آورد» (Sassen, 2019: 40-42).

۲-۲- مبانی نظری

ظهور سرمایه‌داری متمرکز بر فن‌آوری و دانش از دهه ۱۹۹۰، مصداقی از اختلال فن‌آورانه قلمداد می‌شود. تحولات فن‌آوری در این دوران آغازگر فرآیند «چرخش فضایی» بوده که موجب تغییر پلتفرم ژئواکونومی - فضا و قدرت - گشته‌است. چرخش فضایی به این موضوع اشاره دارد که «توسعه فن‌آوری با پیشبرد فرآیند شبکه‌سازی، بهم‌پیوستگی و وابستگی متقابل در بعد فضایی روابط بین‌المللی، پیوستاری از دگرش‌ها را موجب شده‌است. این مهم، نوعی هم‌افزایی بین فن‌آوری و فضاست که با «مرگ فاصله»، «فشرده‌سازی فضا-زمان» و همچنین تأثیر مستقیم بر سیستم بین‌المللی بیان می‌شود. مهم‌تر از همه، این هم‌افزایی، خط‌مشی جغرافیایی جهان و مختصات نظم ژئواکونومیکی را تغییر داده‌است» (Stepien, 2016: 9). به عبارتی، «گسترش فن‌آوری‌های اطلاعاتی؛ ارتباط از راه دور؛ نوآوری‌های فن‌آورانه در زمینه حمل‌ونقل و جابه‌جایی آسان مردم، سرمایه و کالا؛ رونق اقتصاد اطلاعاتی و وحدت مالی بین‌المللی به پلتفرم جدیدی شکل داده که به موجب آن، منطق شبکه جایگزین منطق سرزمین شده و بدین ترتیب موقعیت کشورها در اتصال به شبکه، بر جغرافیای (مکان) آنها، توفیق یافته‌است. در همین راستا، مولفه‌های جدیدی از قدرت در فضای شبکه‌ای شکل گرفته که دیگر بر اساس جغرافیا، کنترل سرزمین یا اقیانوس‌ها تعریف نمی‌شود؛ بلکه کنترل جریان مردم، کالا، پول، داده و بهره‌برداری از ارتباطاتی که فناوری ایجاد می‌کند، مولفه‌های جدید قدرت ژئواکونومی‌اند» (kastner, 2021: 2).

فضای جدید از سه عنصر مجزا و در عین حال مرتبط تشکیل شده‌است: «الف) محیط واسطه‌ای که همه چیز در آن جریان می‌یابد؛ ب) چیزهایی که جریان دارند؛ و ج) گره‌هایی بین آنچه که در جریان است» (Stalder, 2002: 3).

شبکه محیط واسطی است که جریانات در درون آن سیالند. «شبکه»، مجموعه‌ای از نقاط اتصال یا گره‌های بهم پیوسته است. نقطه اتصال، نقطه‌ای است که در آن یک منحنی خود را قطع می‌کند. اینکه گره‌ها دقیقاً چه چیزهایی هستند، به نوع شبکه‌ی مورد نظر بستگی دارد. به عنوان مثال شبکه

¹. Spatial Turn

جریان‌های مالی جهانی از نقاط اتصال بازارهای بورس و مراکز خدمات جانبی پیشرفته تشکیل شده است» (Castells, 2002: 554). «در ریخت‌شناسی شبکه، فاصله فیزیکی سرزمین‌های پراکنده، به واسطه‌ی فن‌آوری ارتباطات از راه دور، سیستم‌های ارتباطی تعاملی و فن‌آوری‌های حمل‌ونقل، دیگر مانعی بازدارنده برای تعامل فضایی ایجاد نمی‌کند» (Agnew, 2009: 32). «بدین صورت، قلمرو (سرزمین)، که منطقه‌ی تحت حاکمیت دولت است و مستلزم حصارکشی و مرزبندی است؛ کارکرد خود را به عنوان تنها منبع تولید قدرت ملی از دست می‌دهد. مقوله مکان (مناطق و شهرها) نیز، با تغییر کارکردی همراه است» (Mojska, 2016: 24).

جریان‌ها به «فعالیت‌های غالب» در فضای شبکه‌ای اشاره دارد که شامل (۱) جریان‌های مالی (۲) مدیریت شرکت‌های بزرگ در زمینه خدمات و تولید (۳) شبکه‌های فرعی شرکت‌های بزرگ و (۴) رسانه، سرگرمی، ورزش، علم و فن‌آوری، قدرت نظامی و اقتصاد جهانی ... می‌باشد. بدین ترتیب، ساختار شبکه‌ای به خودی خود نوعی سلطه است؛ زیرا جریانها با هم مرتبطند و می‌توانند از کنترل هر مکانی بگریزند» (Castells, 1999: 296). عمده‌ی این فعالیت‌ها، در گره‌ها و هاب‌ها سازمان می‌یابد که اتصالات و فعالیت‌های کلیدی را در مکان‌های مشخص مدیریت می‌کنند. به عنوان مثال، وال استریت یا گینزا^۱ یا برکلی، استنفورد و MIT در علوم کامپیوتر نمونه‌ی چنین گره‌هایی هستند. «با این حال، این گره‌ها به شبکه وابسته هستند و منطق آنها به مکان آنها در شبکه بستگی دارد» (Castells, 1999: 295).

مکان‌هایی که به عنوان هاب، جریان‌های غالب جهانی را مدیریت می‌کنند، پیکربندی فضای سیاسی و مبنای نظم ژئواکونومیکی جدید را معرفی می‌کنند (Thrift and Amin, 2002: 52). این مکان‌ها تحت عنوان شهرهای جهانی شناخته شده و به صورت سلسله‌مراتبی در سه سطح آلفا، بتا و مگا دسته‌بندی می‌شوند. «این دسته‌بندی براساس شاخص‌هایی همچون میزان مبادلات سرمایه بین‌المللی، تعداد دفاتر شرکت‌های چندملیتی، موسسات فراملی و دفاتر شرکت‌های خدمات تولیدی پیشرفته جهانی در بخش‌هایی نظیر حسابداری، تبلیغات، بانکداری، بیمه و قانون مشخص شده است» (GAWC, 1999). برای مثال پنج شهر آلفا- لندن، نیویورک، توکیو، پاریس و هنگ‌کنگ- دارای ۴۶ دفتر خدمات پیشرفته هستند که نقش هدایت و مدیریت سایر جهان‌شهرها را در یک سلسله مراتب به عهده دارند» (Taylor and et.al., 2001: 215-216). «در مجموع، شهرهای جهانی کنترل اقتصاد جهانی را در دست دارند؛ با اینحال، پیوستن این شهرها از طریق شبکه‌های فراملی و جریان سرمایه، مردم، اطلاعات و فعالیت‌های اقتصادی است که بطور فزاینده‌ای سبب تغییر اساسی در فضاهای جغرافیایی جهان می‌شود» (Smith, 2005: 172).

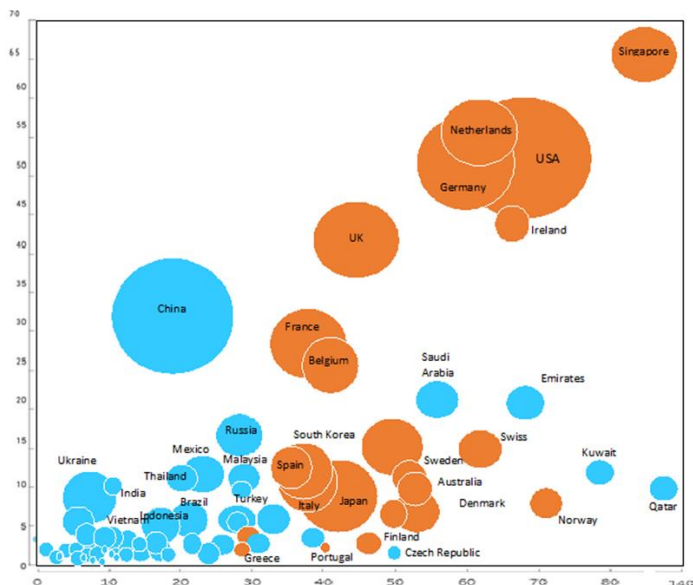
¹. Ginza

بنابراین، اصلی‌ترین موضوع در ارتباط با فضای شبکه‌ای، کارکرد و ارزش رابطه‌ای پدیده‌ها است. «کشورها نیز، نه با ویژگی‌های ذاتی، بلکه با موقعیت رابطه‌ای خود تعریف می‌شوند و واحد تحلیل و عمل نمی‌تواند عنصری واحد، یک فرد، یک محصول، یک شرکت و یک کشور باشد» (Stalder, 2002: 5). «تا زمانی که کشورها، توانایی ارتباط در شبکه را داشته و از کدهای ارتباطی مشترک پیروی کنند، ارزش و عملکرد خود را در شبکه حفظ می‌کنند» (Castells, 2002: 554).

بدین ترتیب، عناصر شکل‌دهنده به فضای جدید-شبکه، جریان‌ات و هاب‌ها- ما را به درک جدیدی از ژئواکونومی رهنمون می‌کند. «ژئواکونومی در اینجا، مفهوم رقابت سرزمینی را دگرگون می‌کند و به طور فزاینده‌ای به تولید مزیت‌های رقابتی کشورها از طریق مراکز فضایی و رابطه‌ای اشاره دارد و به عنوان نوعی شرایط ژئواکونومیک پساژئوپلیتیک نمود پیدا می‌کند. در این میان کشورها به دنبال بازسرزمین‌سازی و ملی کردن فضاها، رابطه‌ای سرمایه‌داری معاصر و درعین حال سرزمین‌زدایی و بین‌المللی‌سازی خود از طریق استراتژی‌هایی هستند که بتوانند به انواع شبکه‌های جهانی پول، استعداد، نوآوری‌ها و ایده‌ها متصل شود» (Moisio, 2018: 28).

به عبارتی، فضای ژئواکونومیکی جهانی (GGS) به عنوان یک سیستم مبتنی بر شبکه‌های چندبعدی توسعه یافته است که در آن، موقعیت لجستیکی یک کشور در شبکه، شدت و حجم جریان‌ات، اتصال به شهرهای جهانی، ارتباط با مراکز نوآوری جهانی و منطقه‌ای، مبنای قدرت ژئواکونومیک کشورها قرار می‌گیرد» (Kuznetsov & Lachininsky, 2014: 84). در همین راستا، «تمام زیرساخت‌های اتصال به شبکه، همچون اینترنت؛ بخش مالی؛ زنجیره‌های تأمین؛ بخش انرژی و رژیم‌های تجارت جهانی به سلاخی در تقابل کشورها تبدیل می‌شوند. فرآیندی که رقابت جدید کشورها را رقم زده و به عنوان جنگ‌های اتصال شناخته می‌شود» (Leonard, 2016: 4).

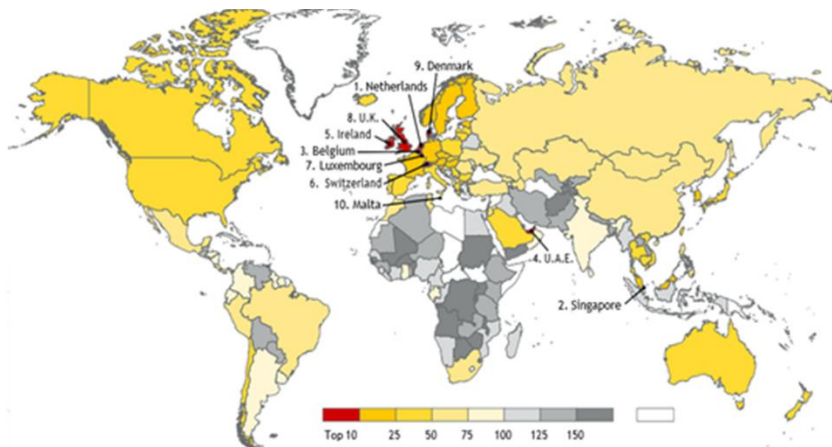
باید توجه داشت شبکه، به شدت بر عدم تقارن قدرت بنا شده است (Coe et. al., 2008: 273). «قدرت نامتقارن در واقع متأثر از بافت ناهموار اتصال است. عصر اتصال، تنها در آمریکای شمالی، اروپا و برخی از مناطق آسیا طلوع کرده است. شکل ۱، ارزش اقتصادی کل جریان‌ات (تجارت محصولات، خدمات، داده‌ها، سرمایه و رفت و آمد مردم) به نسبت تولید ناخالص داخلی (GDP) را نشان می‌دهد. ۶۳٪ کالاهای تجارت جهانی، ۶۲٪ خدمات و ۷۹٪ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) در ۱۵ کشور متمرکز است» و اتصال را از یک کالای عمومی به ابزاری برای اعمال قدرت تبدیل کرده است (Borchert, 2019: 9).



شکل ۱- شدت و حجم اتصال (بر مبنای تولید ناخالص داخلی) (McKinsey, 2019)

Figure 1- Intensity of Connection based on GDP (McKinsey, 2019)

موسسه DHL دانشگاه نیویورک نیز، کشورهای برتر را براساس شاخص شدت جریان‌های جهانی رده‌بندی کرده‌است.



شکل ۲- شدت جریان‌های جهانی (DHL, 2020)

Figure 2- Intensity of global flows (DHL, 2020)

بافت ناهموار اتصال، بدین معنی نیست که تأثیر جریان‌های جهانی، همگانی نیست. در واقع، «توزیع نامتقارن نفوذ بر شبکه‌ها، تأثیرات جدی بر سراسر واحدهای مکانی تشکیل دهنده آنها دارد» (Hesse, 2010: 88). «کشورهایی که دارای اتصالات قوی به شبکه جریان‌ها هستند؛ توانایی تعریف چارچوب و شرایط عملیاتی شدن جریانهای راهبردی را دارند» (Borchert, 2019: 10). «بدین معنی که می‌تواند نظم سرزمینی و تقسیمات فضایی را ادغام و متلاشی، و ترتیبات دیگری ایجاد نمایند» (Albagli, 2017: 3). از آنجا که اتصال و دسترسی به جریان‌ها برای کشورها ضروری است، می‌تواند اهمی برای اعمال فشار در زمینه تضادهای سیاسی باشد. «کشورهای پیشرو، به‌ویژه ایالات متحده که به عنوان قدرتی هژمون در زمینه‌ی ایجاد استانداردهای جهانی و دارای مزیت در شبکه جریانات جهانی عمل می‌کنند» (فره‌مند و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۱۰)؛ (Farahman et.al., 2021: 110) می‌توانند به تنظیم کدهای ارتباطی مشترک در فضای شبکه‌ای، مبادرت کنند و با استفاده از «هویج» دسترسی به جریانات و «چماق» تحریمها، درباره‌ی دسترسی یا عدم دسترسی کشورها تصمیم‌گیری و یک کشور را از پویایی جریان جهانی خارج، منابع آن را انکار و به یک کشور پیرامونی تبدیل کنند. در این میان، توسعه‌ی فن‌آوری نقشی کلیدی می‌یابد. فن‌آوری با امکاناتی که برای سرمایه‌گذاری بر روی رقیب، جابجایی مسیرهای ترانزیت، انتقال از زیرساخت‌های سنتی به زیرساخت فن‌آورانه، ممنوعیت سرمایه‌گذاری، عدم دادن تکنولوژی حساس و.. به‌وجود آورده، امکان دور زدن و یا دربرگیری کشور هدف را فراهم می‌کند. «بنابراین، اگرچه برخی کشورها به دلیل برخورداری از ویژگی‌های بالقوه، از پتانسیل‌های بیشتری برای عاملیت در فضای شبکه‌ای برخوردارند؛ با این وجود، استفاده سنتی از موقعیت ممتاز مکانی، برای غلبه بر اختلافات سیاسی، به واسطه فن‌آوری، تاحد زیادی مختل شده‌است» (Aaltola et. al., 2014: 34). در مجموع، مولفه‌های حاکم بر فضای شبکه‌ای به صورت جدول زیر قابل دسته‌بندی‌اند.

مولفه‌های جریان	سرمایه، داده، کالا، مردم، خدمات
دامنه‌های جریان	فضا (هوا، زمین، دریا، سایبر)
تنظیم جریان	استانداردها و قوانین تجارت، تعرفه‌ها و تحریم‌ها، کنترل ارز و...
حامل‌های جریان	فرودگاه‌ها، زیرساخت داده و معاملات مالی، خطوط لوله، بنادر، خطوط ریلی و..
فعال‌کننده جریان	فن‌آوری و سرمایه‌گذاری خارجی

جدول ۱- مولفه‌های فضای شبکه‌ای (نگارندگان، ۱۴۰۰)؛ (Authors, 2022)

Figure 3- Network Space Components (Authors, 2022)

۳- تارینچه

سالهاست که گفتمان غالب بر ایران در حوزه سیاستگذاری و دانشگاهی، حاکی از آن است که توپوگرافی و موقعیت منطقه‌ای ایران، وزن ژئواکونومیک سنگینی را در معادلات منطقه‌ای و جهانی

به آن داده است. به عبارتی تنوع در مرزها، دسترسی به آب‌های آزاد و داشتن سواحل طولانی در خزر و خلیج فارس، تسلط بر گلوگاه‌های استراتژیکی چون تنگه هرمز و مرکزیت ایران به عنوان چهارراه جهان برای اتصال شرق به غرب، و شمال به جنوب، جغرافیای این کشور را در کانون طرح‌های بزرگ و استراتژیک قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای قرار داده است. کاربرد استعاره‌هایی چون پل (مینایی، ۱۳۸۴)؛ (Minaei, 2005)، منطقه حائل (Ahmadi, 2020) و شاهراه ترانزیتی (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۰)؛ (Khalili and et. Al., 2012) در این رابطه، تایید مدعاست.

بر اساس همین دیدگاه، انگاره‌ی جغرافیای انکارناپذیر ایران که پایه‌ای برای قدرت ژئواکونومیک این کشور قرار می‌گیرد و بعضاً برای چانه‌زنی‌های سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد، بازتولید و تقویت شده است. به عنوان مثال در رابطه با مسیرهای ترانزیتی، اینگونه عنوان می‌شود که هر جاده، خط آهن و خط لوله‌ای در اوراسیا، برای آن که در مهم‌ترین منطقه دنیا یعنی خاورمیانه شانس تبدیل شدن به واقعیت را داشته باشد و یا آسیای مرکزی و جنوبی را به مدیترانه متصل کند، ناگزیر است جغرافیای ایران را مطمح نظر قرار دهد.^۱ در نگاهی خوش‌بینانه، این یعنی موفقیت برخی از طرح‌های قدرت‌های بزرگ و کشورهای پیرامونی، در گرو مشارکت با ایران است.

با این وجود، همانطور که شرح داده شد، اختلال فن‌آورانه موجب شده که ارزش اهمیت جغرافیایی یک کشور، به واسطه تغییر در فضای عملیاتی و اهمیت یافتن موضوعات و عرصه‌های نوظهور کسب قدرت و ثروت، تحت الشعاع قرار گیرد.

از طرفی، با توجه به اینکه در فرهنگ راهبردی ایران، این فرض وجود داشته که «قدرت‌های نظام بین‌الملل با همکاری کشورهای منطقه‌ای همواره سیاست به‌حاشیه‌راندن جایگاه ایران را دنبال کرده و واکنش ایران تلاش برای جلوگیری از این تضعیف و تثبیت جایگاه منطقه‌ای و جهانی خود بوده است» (مسعود و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱۰)؛ (Masoud and et.al., 2020: 110) لازمه تثبیت و ارتقای جایگاه ایران در درجه اول شناخت فضای عملیاتی و تغییر و تحولات رخ داده در مولفه‌های قدرت ژئواکونومیک می‌باشد. بدین منظور سنجش جایگاه ژئواکونومیک ایران مستلزم بررسی وضعیت این کشور در سلسله‌مراتب شهرهای جهانی، شدت اتصال به جریانات جهانی، عملکرد لجستیکی ایران در زمینه جریانات و موقعیت رابطه‌ای آن با مناطق استراتژیک و متصل به شبکه‌ی جریان‌ها، به عنوان مبانی نوین قدرت ژئواکونومیک است.

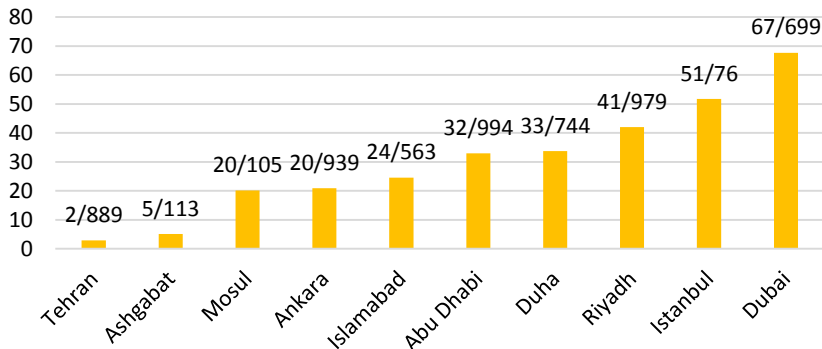
^۱. بنگرید به (خبرگزاری ایرنا: ۱۹ شهریور ۱۳۹۷)، «راه ابریشم نوین، مسیر پیوند چین و ایران»، قابل دسترس در:

۴- موقعیت ژئواکونومیک ج.ا. ایران بر اساس شاخص‌های نوین قدرت

جایگاه ژئواکونومیک ایران بر مبنای شاخص‌های نوین قدرت ژئواکونومی، در موارد زیر قابل ارزیابی است.

۴-۱- موقعیت ایران در شبکه شهرهای جهانی

مطابق با شاخص‌بندی GAWC هیچ یک از شهرهای ایران در رده‌بندی شهرهای جهانی شناخته نشده‌است. در این زمینه شورت^۱ (۲۰۰۴) تهران را «سیاهچاله» نامید، چراکه کلان‌شهر تهران با داشتن تنها ۲,۸۸۹ درصد اتصالات جهانی، در شبکه‌ی جریانات جهانی قرار نمی‌گیرد. این در شرایطی است که غالب همسایگان ایران، درصدد اتصال شهرهای خود به شبکه‌ی شهرهای جهانی برآمده‌اند. در مقام مقایسه می‌توان به برخی از آنها اشاره کرد. برای مثال، دبی با (۶۷,۶۹۹) در رده‌ی آلفا؛ استانبول (۵۱,۷۶۰) الفا؛ ریاض (۴۱,۹۷۹) بتا؛ ابوظبی (۳۲,۹۹۴) بتا؛ دوحه قطر (۳۳,۷۴۴) در رده‌ی گاما قرار دارد. این درحالی است که تهران پس از اسلام‌آباد (۲۴,۵۶۳)؛ آنکارا (۲۰,۹۳۹)، الموصل عراق (۲۰,۱۰۵)، عشق‌آباد ترکمنستان (۵,۱۱۳) و... قرار می‌گیرد (GAWC, 2016).



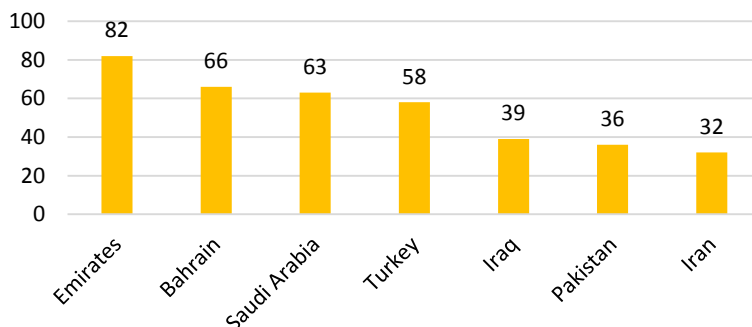
نمودار ۱- اتصال و رتبه‌بندی شهرها

Chart 1- Connect and Rank Cities (GAWC, 2016)

۴-۲- موقعیت ایران براساس شدت و حجم اتصال به جریانات جهانی

در رابطه با شدت و حجم اتصال به شبکه جریانات جهانی، براساس شاخص‌بندی موسسه DHL دانشگاه نیویورک، کشور ایران با امتیاز ۳۲ (از حداکثر ۱۰۰) در رتبه‌بندی بعد از پاکستان (۳۳)، عراق (۳۶)، ترکیه (۵۸) و هم رتبه با پاراگوئه و نیال قرار می‌گیرد. این شاخص شامل مولفه‌های تجارت کالا و خدمات، اطلاعات، مردم و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است (DHL: 2020).

^۱. Short

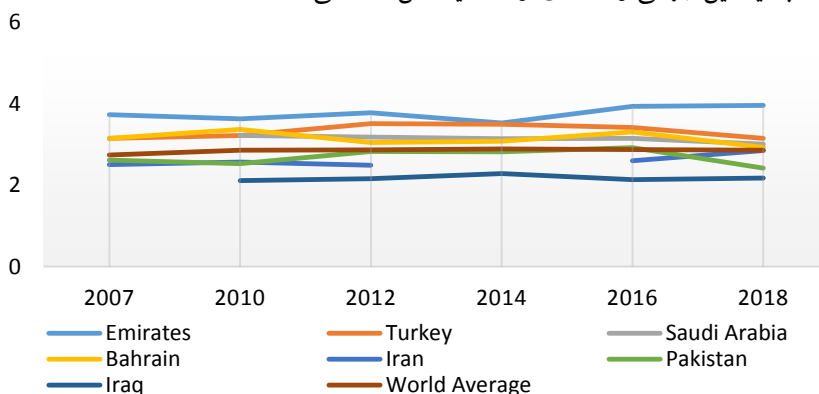


نمودار ۲- شاخص اتصال (DHL, 2020)

Chart 2- Connection index (DHL, 2020)

۳-۴- موقعیت ایران براساس عملکرد لجستیکی

شاخص عملکرد لجستیک (LPI) که شامل اقدامات کیفی و کمی در طول زنجیره‌ی تامین بین‌المللی است، به عنوان معیاری جهانی برای سنجش عملکرد لجستیکی یک کشور در زمینه حمل جریانات جهانی در نظر گرفته می‌شود. این شاخص، کارایی فرآیند ترخیص کالا از گمرک، کیفیت تجارت و زیرساخت‌های مربوط به حمل و نقل، سهولت تنظیم محموله‌ها با قیمت رقابتی، کیفیت خدمات لجستیکی، توانایی ردیابی و ردگیری محموله‌ها و تحویل به موقع محموله‌ها را اندازه‌گیری می‌کند. دامنه این شاخص از ۱ تا ۵، و نمره بالاتر نشان دهنده عملکرد بهتر است. شکل زیر ضمن نشان دادن عملکرد ایران با میانگین ۲٫۶۰ بین سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۱۸، وضعیت این کشور را در مقایسه با میانگین جهانی و تعدادی از همسایگانش نشان می‌دهد.



نمودار ۳- شاخص عملکرد لجستیکی ۲۰۰۷-۲۰۱۸ (Worldbank, 2021)

Chart 3- Logistics Performance Index 2007-2018 (Worldbank, 2021)

۴-۴- موقیعت ایران در اتصال به مناطق استراتژیک جهان

در میان سه منطقه اصلی ژئواستراتژیک جهان - آتلانتیک، اوراسیا و پاسیفیک - آسیا با مرکزیت چین -، جهت‌گیری سیاسی و اقتصادی سیاست‌خارجی ایران به سوی یکی از این مناطق، یعنی منطقه پاسیفیک - آسیا قابل لمس است. «این در حالی است که جهان شبکه‌ای همه مناطق ژئواستراتژیک را به یکدیگر پیوند داده و جهت‌گیری ایران، واکنش‌های سیاسی و اقتصادی رقبای آن منطقه را در پی دارد. به‌عنوان نمونه، چالش عمده ورود ایران به اتحادیه‌های اقتصادی منطقه‌ای اوراسیا و پاسیفیک - آسیا، همواره با واکنش جهان شبکه‌ای در حوزه مالی و بانکداری از سوی قدرت کانونی آتلانتیک یعنی آمریکا، مواجه می‌شود. واضح است که تمامی شبکه‌های مالی و بانکی مناطق ژئواستراتژیک اوراسیا و پاسیفیک - آسیا در نهایت متصل به سیستم مالی و بانکی منطقه آتلانتیک می‌شود. بنابراین چالش بزرگ پیوستن ایران به اتحادیه‌های اقتصادی منطقه‌ای در درک جهان مبتنی بر مناطق جغرافیایی منفک و جداشده نهفته است» (قورچی، ۱۳۹۹)؛ (Ghoorchi, 2020).

این مهم می‌تواند در عملیاتی شدن توافق‌نامه راهبردی اخیر ایران و چین نیز اختلال ایجاد کند. به‌طور کلی به نظر می‌رسد که پارادایم حاکم بر حوزه سیاست‌گذاری و دانشگاهی ایران در عرصه ژئواکونومی، هنوز مبتنی بر فضاها گسسته سرزمین‌محور است. «بر اساس بازنمایی مداوم همین تصویر از طرف حوزه‌های دانشگاهی، منطق سیاست شکل می‌گیرد و ژئواکونومی را نیز تابع خود کرده و تحلیل‌ها به سمت و سوی ژئوپلیتیک سنتی، متمایل شده است» (قورچی، ۱۳۹۹)؛ (Ghoorchi, 2020). بدین ترتیب، ادراک نادرست فضا با قابلیت که فن‌آوری برای سرمایه‌گذاری بر روی رقیب فراهم آورده است، می‌تواند به فرسایش پتانسیل‌های ژئواکونومیک ایران منجر شود. در همین راستا، نیم‌نگاهی به عرصه خطوط ریلی و حمل‌ونقل، پروژه‌های مربوط به خطوط لوله و حوزه انرژی، امکان‌سنجی پیوستن به زنجیره‌های تامین، پروژه‌های کلان اقتصادی و تجاری و به طور کلی ظرفیت‌های ایران برای حمل‌جریان‌ات، می‌تواند کارگر واقع شود.

به‌عنوان مثال، دست‌کم بخشی از علت اختلال در پروژه‌هایی همچون خط لوله صلح (انتقال گاز ایران به هند و پاکستان) را می‌توان متأثر از چالش‌های موجود در رابطه با زمینه‌سازی بستر لازم برای جذب اعتماد، سرمایه و فن‌آوری دانست که در پیوند وثیق با ادراک نادرست فضای ژئواکونومیک شبکه‌ای قرار می‌گیرد. پروژه‌ی «کاسا - ۱۰۰۰»^۱ (انتقال برق آبی قرقیزستان و تاجیکستان به افغانستان و پاکستان)، پروژه‌ی «توتاپ»^۲ (انتقال برق ترکمنستان، ازبکستان و تاجیکستان به افغانستان و پاکستان)، پروژه‌ی «تاپی»^۳ (خط لوله انتقال گاز ترکمنستان به افغانستان، پاکستان و هند) و دیگر پروژه‌های خطوط لوله با محوریت «بانک توسعه آسیایی»، به سهم خود

^۱. CASA -1000

^۲. TUTAP

^۳. TAPI

نوعی اختلال محسوب می‌شود که در پیوند با موضوع فن آوری و سرمایه‌گذاری رقیب، به انکار و فرسایش موقعیت جغرافیایی ایران منجر می‌شود. «در این زمینه همچنین می‌توان به پروژه مسیر ترانزیتی دریای خزر با محوریت ترکیه نیز اشاره کرد که ضمن افزایش قدرت ترکیه در زمینه صادرات کالا به چین، زنگ خطر حذف ایران از مسیر ترانزیت کریدور شرق به غرب را به صدا درآورده است. بدین ترتیب که ترکیه با افزایش و تقویت سرمایه‌گذاری اقتصادی اقدام به عملیاتی کردن طرحی کرده که در بلندمدت به کاهش قطعی اهمیت ژئواکونومیک ایران منجر می‌شود و چین نیز با توجه به نقش تعیین‌کننده ترکیه در جاده ابریشم، وضعیت اقتصادی بهتر این کشور و همچنین نداشتن اختلافات اساسی با آمریکا، روابط اقتصادی خود با سایر کشورهای همسایه را گسترش داده و نقش تعیین‌کننده‌ای در غرب آسیا برای خود تعریف کند» (موسوی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۴۰)؛ (Mousavi and et.al., 2021: 140).

بنابراین، موضوع سرمایه‌گذاری رقیب، حتی در خصوص کشورهایی چون چین که روابط دوستانه‌ای با ایران دارند نیز، صدق می‌کند. «به‌عنوان نمونه، پروژه‌ی زنجیره مروارید در کنار ابتکار کمربند و راه، بیش از هر چیز در ارتباط با پاکستان و طرح ۶۰ میلیارد دلاری سی‌پک و بندر گوادر در نزدیکی ایران تعریف شده است. این طرح‌ها شامل ساخت خطوط لوله و پالایشگاه نفت، به‌علاوه ایجاد شبکه‌ای از جاده‌ها و مسیرهای متعدد راه‌های آهن و کابل‌های فیبر نوری مخابراتی خواهد بود. این پروژه می‌تواند رقیبی برای بندر چابهار باشد که با سرمایه‌گذاری هند به کندی پیش می‌رود. در این میان، پیوند قوی میان هند و آمریکا و تلاش هند برای تقویت این پیوندها، محدودیت‌هایی را در قبال ایران بر این کشور تحمیل می‌کند؛ که در خصوص پیشبرد پروژه‌ی چابهار نیز مستثنا نیست. از طرف دیگر این طرح از سوی چین به دلیل تقابل با هند و از سوی پاکستان به دلیل نگرانی‌های ژئوپلیتیکی به دیده‌ی ظن نگریسته می‌شود» (حاجی‌یوسفی و نارویی، ۱۴۰۰: ۷۹-۸۰)؛ (Hajiyousefi & Narouei, 2021: 79-80).

اما موضوع از این نظر برای ایران اختلال قلمداد می‌شود که میزان سرمایه‌گذاری چین در گوآدر پاکستان با سرمایه‌گذاری کمتر از یک میلیارد دلاری هند در چابهار قابل مقایسه نیست. «بندر گوآدر ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیون تن ظرفیت بارگیری سالانه خواهد داشت ولی در مقابل، ظرفیت برنامه‌ریزی شده حمل بار و محموله‌های کانتینری برای چابهار که اکنون کمتر از نه میلیون تن است، در پایان فاز چهارم، تنها به ۸۵ میلیون تن خواهد رسید. این فاکتور به سهم خود در درازمدت بر ژئواکونومیک منطقه به ضرر ایران خواهد بود» (برزگر و رضایی، ۱۳۹۶: ۹)؛ (Barzegar and Rezaei, 2017: 9). «برای درک این موضوع، باید توجه کنیم که در حال حاضر در جنوب خلیج فارس نزدیک به ۱۶۰ میلیون تن ای‌یو ظرفیت ترمینال و اپراتور کانتینری توسعه یافته و فعال وجود دارد که چین به سهم خود در توسعه بنادر کشورهای عرب خلیج فارس نقش مهمی ایفا کرده است؛

اما در نبود فن‌آوری و سرمایه‌گذاری لازم در کشور، سهم ما تنها شش میلیون تی‌ای‌یو است» (رضایی، ۱۳۹۷: ۷)؛ (Rezaei, 2019: 7).

همین قیاس در خصوص چابهار و جبل‌علی امارات نیز صادق است. «علی‌رغم اینکه مساحت منطقه آزاد چابهار ۱۸ برابر منطقه آزاد جبل‌علی امارات است، ظرفیت تجاری بندر جبل‌علی ۳۳ برابر منطقه آزاد چابهار است. عوامل متعددی در این تفاوت فاحش دخیل می‌باشند. میزان سرمایه‌گذاری -چابهار با یک میلیارد ریال سرمایه‌گذاری اولیه و منطقه آزاد جبل‌علی با ۲٫۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری اولیه- تفاوت در تأمین زیرساخت‌ها شامل برق، آب، دفاتر کار، انبارهای سرپوشیده و سردخانه‌های مجهز، هتل‌ها و شبکه‌های دسترسی جاده‌ای؛ دسترسی به بنادر و فرودگاه‌های بین‌المللی از جمله این عواملند» (ISNA, 2021). این موضوع، لزوم بهبود عملکرد لجستیکی به عنوان مولفه‌ای از قدرت ژئواکونومیکی را گوشزد می‌کند.

از طرفی دیگر، جهت‌گیری گزینشی ایران به سمت یکی از مناطق ژئواستراتژیک در فضای شبکه‌ای و رویکرد منفعلانه یا تقابلی با سایر مناطق، مزیت‌های سنتی این کشور در زمینه ترانزیت را تهدید می‌کند. «برای مثال با اوج‌گیری تنش‌های ایران و آمریکا و تهدیدهای طرف ایرانی در خصوص بستن تنگه هرمز، امارات متحده عربی در سال ۱۳۹۵ موفق به افتتاح بندر «فجیره» در سواحل دریای عمان شد. بدین ترتیب، امارات موفق شده‌است با دور زدن تنگه هرمز، نیاز خود به این تنگه را در زمینه بارگیری و صادرات نفت تا ۹۰ درصد کاهش داده و مستقیماً به دریای عمان و به اقیانوس هند متصل شود» (رضایی، ۱۳۹۷: ۹)؛ (Rezaie, 2019: 9).

به همین ترتیب، «پروژه‌ی بندر بزرگ فاو با ظرفیت ادعایی ۹۹ میلیون تن در سال، می‌تواند موجب تضعیف منطقه آزاد اروند و تجارت از این نقطه با عراق شود. در حال حاضر عراق از دو بندر ام‌قصر و خورالزبیر برای تجارت دریایی کالا استفاده می‌کند. همچنین بخش قابل توجهی از کالاها به مقصد عراق، از طریق بنادر خرمشهر و آبادان در منطقه آزاد اروند منتقل می‌شوند. فعال شدن بندر فاو با تمام ظرفیت می‌تواند اقتصاد مرزی ایران را تحت تأثیر قرار دهد. برخی جریان‌های رسانه‌ای عراقی تکمیل خط آهن شلمچه-بصره را معارض با اهمیت محوری بندر فاو برای استان بصره می‌دانند. این در حالی است که اتصال شبکه ریلی ایران و عراق با برقراری قطعه شلمچه - بصره، بخشی از پازل تجارت منطقه‌ای است و می‌تواند در تقویت جایگاه عراق در ابرپروژه جاده ابریشم نقش داشته باشد؛ با اینحال نارضایتی آمریکا و تقابل سنتی آن با ایران موجب تردید درباره این پروژه شده‌است» (محمدی، ۲۰۲۱)؛ (Mohammadi, 2021).

بررسی مختصر مصادیق فوق، مؤید یک واقعیت در حال ظهور برای ایران است. اینکه در تعامل و یا تقابل دو کشور الف و ب، اگر کشور الف از قدرت ادراک و اتصال بیشتری به فضای شبکه‌ای به نسبت کشور ب، برخوردار باشد، می‌تواند نقش کشور «اخلالگر» را ایفا کند. حال در چارچوب یک جدول تناسب، برای ایران، کشور الف می‌تواند آمریکا، اسرائیل، ترکیه، جمهوری آذربایجان،

عراق و... (به‌عنوان دشمن و یا رقیب)، و یا چین، روسیه و هند (در مقام شریک) باشد؛ چرا که این کشورها به لحاظ اتصال به شبکه و قدرت فن‌آوری، سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری (با درجات مختلف) از ایران جلوتر بوده و همه آنها در مقاطع مختلف، نقش یک کشور اختلالگر را ایفا کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

گسترش فن‌آوری‌های انقلابی در هر زمینه‌ای، منجر به تغییر قواعد و پارادیم حاکم و حذف گزینه‌های سنتی انجام امور می‌شود. اختلال، مفهومی است که بر این کارکرد فن‌آوری اطلاق می‌شود و موضوع بحث ما در مقاله حاضر بوده است. اختلال فن‌آورانه به طریق اولی در رابطه با حوزه ژئواکونومی که پیوند بین مولفه‌ی قدرت و فضاست؛ صدق می‌کند. در همین راستا، فضای عملیاتی کشورها در اثر تحولات فن‌آورانه‌ی اواخر سده بیستم و توسعه‌ی آن در سده بیست‌ویکم، متحول شده؛ به نحوی که در قالب شبکه‌های متعدد و بهم‌پیوسته، عمده‌ی فعالیت‌های اقتصادی را دربر گرفته است. غلبه‌ی شبکه‌ها و جریانات حاکم بر آن، از اهمیت قلمرو و جغرافیا به عنوان بستری برای تولید قدرت ملی کاسته است و موقعیت رابطه‌ای کشورها در اتصال به شبکه را به مولفه‌ای جدید در کسب قدرت و ثروت تبدیل کرده است. در این میان، وابستگی متقابل اقتصادی بیش از پیش در معرض دید قرار گرفته و دست برتر برخی کشورها در مولفه‌های قدرت در این فضا، به عدم تقارن این وابستگی دامن زده است. بدین ترتیب نتیجه‌ی کلی مقاله حاکی از آن است که موقعیت کشورها در عصر حاضر، نه بر اساس جغرافیای آنها، بلکه بسته به ادراک، اتصال و کنترل جریانات حاکم بر فضای شبکه‌ای تعریف می‌شود و عدم انطباق با قوانین و منطق حاکم بر آن، می‌تواند یک کشور را از دایره رقابت‌های ژئواکونومیک حذف کرده و به فرسایش پتانسیل‌های سنتی و بالقوه‌ی آن منتهی شود. در عین حال، فن‌آوری و سرمایه‌گذاری در این زمینه، با امکاناتی که در زمینه‌ی تنظیم و جهت‌دهی به راه‌ها و راه‌حل‌های بدیل، فراهم آورده، به تقویت این گزاره کمک کرده است. این مهم در رابطه با ایران که دارای پتانسیل‌های بالقوه‌ای برای عملکرد به عنوان حامل جریانات می‌باشد؛ در سایه ارتباط‌گزینشی با شبکه‌های بهم‌پیوسته‌ی استراتژیک؛ تکیه بر پتانسیل‌های سنتی و عدم ادراک صحیح از فضای ژئواکونومیک نوظهور و مولفه‌های قدرت نوین در این فضا، خطر فرسایش موقعیت ژئواکونومیک این کشور را به همراه دارد. بدین ترتیب که کشور ایران در مولفه‌هایی چون شدت اتصالات به جریانات جهانی، موقعیت در شبکه‌ی شهرهای جهان، عملکرد لجستیکی در زمینه‌ی حمل جریانات و ارتباط متقابل و راهبردی با مناطق استراتژیک جهان به نسبت سایر کشورهای همسایه و دارای موقعیت جغرافیایی مشابه، عملکرد ضعیف‌تری دارد. همین موضوع توأمان با عامل سرمایه‌گذاری‌های رقبای و تلاش قدرت‌های فرامنطقه‌ای برای انزوای ژئوپلیتیکی ایران، می‌تواند جایگاه ژئواکونومیک آن را تحت‌الشعاع قرار دهد.

منابع فارسی

۱. ایسنا. (۱۳۹۹)، چرا «چابهار» «جبل علی» نشد؟، ۲۸ اسفند، در: <https://www.isna.ir/news/99122721319/%DA%86%D8%B1%D8%A7>
۲. بزرگر، ک.، رضائی، م. (۱۳۹۶). آینده رقابت‌های راهبردی متداخل در اقیانوس هند. فصلنامه سیاست، ۴۷(۱)، ۱-۲۱.
۳. حاجی یوسفی، ا.، نارویی، ه. (۱۴۰۰). ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و چشم‌انداز همکاری ایران و هند در چابهار. فصلنامه ژئوپلیتیک، ۱۷(۳)، ۸۷-۶۱.
۴. خلیلی، م.، مشادی، م.، آزموده، ف. (۱۳۹۰). بایستگی‌های ژئواکونومیک توسعه منطقه جنوب شرق ایران. فصلنامه روابط خارجی، ۳(۴)، ۸۱-۱۲۴.
۵. رضائی، م. (۱۳۹۷). حمله تروریستی چابهار و ظهور پدیده دیسراپشن. مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه. ۱۹ آذر ماه.
۶. فرهنگ، م.، متقی، ا.، میرکوشش، ا. (۱۴۰۰). رقابت هژمونیک آمریکا و چین و تاثیر آن بر جریان انرژی و نفت در جهان. فصلنامه مطالعات بین‌المللی، ۱۸(۱)، ۱۲۰-۱۰۳.
۷. قورچی، م. (۱۳۹۹). فضای جریان‌ها و چالش‌های منطقه گرابی. روزنامه شرق.
۸. کاستلز، م (۱۳۸۰). اقتصاد، جامعه و فرهنگ در عصر اطلاعات. ترجمه‌ی احد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: انتشارات طرح نو.
۹. محمدی، م. (۱۴۰۰). فرصت محدود ایران برای نقش‌آفرینی در ترانزیت و تجارت عراق. پایگاه اطلاع‌رسانی مسیر اقتصاد، ۴ اردیبهشت در: <https://masireqtesad.ir/119312/%D9%81%D8%B1%D8%B5%D8%AA>
۱۰. مسعود، ع.، ذاکریان، م.، قوام، ع.، احمدی، ح. (۱۳۹۹). بازنمود استمرار فرهنگ راهبردی ایران در ساخت و بنیان سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی. فصلنامه مطالعات بین‌المللی، ۱۷(۲)، ۹۷-۱۱۴.
۱۱. موسوی، س.، غفاری، م.، شریعتی، ش. (۱۴۰۰). پیامدهای ژئوپلیتیکی گسترش همکاری‌های چین و ترکیه بر جمهوری اسلامی-ایران (مطالعه موردی: دو پروژه «کریدور میانی» و «کمر بند و راه»). فصلنامه ژئوپلیتیک، ۱۷(۲)، ۱۴۸-۱۱۹.
۱۲. مینایی، م. (۱۳۸۴). بررسی جایگاه و موقعیت ژئواکونومیک جمهوری اسلامی ایران و نقش آن در تامین و ارتقاء امنیت ملی. فصلنامه جغرافیایی سرزمین، ۲(۶)، ۲۵-۱۵.

English References

1. Aaltola, M., Mikkola, H., Behr, T. (2014). Towards the Geopolitics of Flows, Implications for Finland. Finland: Institute of International Affairs, *Fiia Report* 40.
2. Acuto, M., Carr, M., Kaltofen, C. (2019). *Conversations on Technology and IR*,

Technologies of International Relations: Continuity and Chang. UK: University College London.

3. Ahmadi Nohadani, S. (2020). The Geopolitics of Iran According to the Theory of Geographical Buffer Spaces. *Brazilian Journal of Strategy & International Relations*, 9(17), 180-200. <https://doi.org/10.22456/2238-6912.97198>
4. Albagli, S. (2017). Technical-Scientific-Informational Milieu, Networks and Territories. *Springer International Publishing*. 33-43. 10.1007/978-3-319-53826-6_3
5. Bidwell, A., MacDonald, W. (2018). Emerging Disruptive Technologies and Their Potential Threat to Strategic Stability and National Security. *Federation of American Scientists*, Speccial Report.
6. Borchert, H. (2019). Flow Control Rewrites Globalization: Implications for Business and Investors. *Strategic Assessment*, January.
7. Castells, M. (1999). Grassrooting the Space of Flows. *Urban Geography*, 20(4), 294-302. DOI: 10.2747/0272-3638.20.4.294
8. Castells, M. (2002). *The Information Age: Economy, Society and Culture*. Translate by Aligholian and Khakbaz, Tehran, New Plan Publications. **(In Persian)**
9. Ciuriak, D. (2019). Geoeconomic Disruption: A Comment on the Causes, Consequences and Policy Responses, *Washington DC*: Workshop in Cato Institute.
10. Christensen, M. (1997). The Innovator's Dilemma. Harvard College.
11. Coe, M., Dicken, P., Martin H. (2008). Global production networks: realizing the potential. *Journal of Economic Geography*, 8(3), 271-295. doi:10.1093/jeg/lbn002
12. DHL GLOBAL CONNECTEDNESS INDEX (2020), the State of Globalization in a Distancing World, at: <https://www.dhl.com/content/dam/dhl/global/dhl-spotlight/documents/pdf/spotlight-g04-global-connectedness-index-2020.pdf>
13. Diesen, G. (2021). *Great Power Politics in the Fourth Industrial Revolution*. New York, Bloomsbury Publishing Plc.
14. Fischer, S. (2018), Technological Innovation and the Geopolitics of Energy. *Center for Security Studies (CSS)*, 23.
15. GaWc. (2016). World City Network 2016: Service Value Matrix and Global Network Connectivities, at: <https://www.lboro.ac.uk/gawc/datasets/da28.html>
16. Hesse, M. (2010). Cities, material flows and the geography of spatial: urban places in the system of chains. *Global Networks*, 10(1), 75-91. <https://doi.org/10.1111/j.1471->

0374.2010.00275.x

17. <https://data.worldbank.org/indicator/BX.KLT.DINV.CD.WD>
18. <https://data.worldbank.org/indicator/LP.LPI.OVRL.XQ?view=chart>
19. Jaeger, B. (2020). Geoeconomics in the light of International Political Economy. *Brazilian Journal of Political Economy*, 40(1), 22-36. 10.1590/0101-31572020-2982
20. Kastner, A. (2021). 7 views on how technology will shape geopolitics. Lead, Geopolitical Agenda, World Economic Forum:
21. <https://www.weforum.org/agenda/2021/04/seven-business-leaders-on-how-technology-will-shape-geopolitics/>
22. Kogler, D. (2017). Evolutionary Economic Geography –Theoretical and Empirical Progress. *Regional Studies*. 49(5), 705-711. at: <https://doi.org/10.1080/00343404.2015.1033178>
23. Kuznetsov, S., Lachininsky, S. (2014). Modern Understanding of ‘Geoeconomic Position’ and the Saint Petersburg Agglomeration. *Baltic region*, 1(19), 79-92. <https://doi.org/10.5922/2079-8555-2014-1-7>
24. Laudicina, P., Peterson, E., McCaffrey, R. (2018), Competition, Disruption, and Deception: Global Trends 2018-2023. *Global Business Policy Council*, A.T. Kearney
25. Leonard, M. (2016). The Age of Economic Coercion: How Geo-politics is Disrupting Supply Chains, Financial Systems, Energy Markets, Trade and the Internet. *Global Agenda Council on Geo-economics*.
26. McKinsey Global Institute. (2019). Globalization in Transition: The Future of Trade and Value Chains, at: <https://www.mckinsey.com/featured-insights/innovation-and-growth/globalization-in-transition-the-future-of-trade-and-value-chains>
27. Mesthene, G. (1968). How Technology Will Shape the Future. *Science*, 161(38), 135-143 .
28. Moisisio, S. (2018). Towards Geopolitical Analysis of Geoeconomic Processes, *Geopolitics*, 23(1), 22-29. <https://doi.org/10.1080/14650045.2017.1326481>
29. Mojska, K. (2016). *New Technologies as a Factor of the Spatial Turn in International Relations*, UK: Cambridge Scholars Publishing.
30. Passi, R., Pant, V. (2018). Debating Disruption: Change on Continuity, *Raisina Files*, 03.
31. Raeder, S., Fortaleza, M. (2016). Geography and Technological Innovation. *Geografia*

- e inovação tecnológica*, 15(2), 77-90.
32. Saran, S., Deo, A. (2018). Globalisation, Demography, Technology, and New Political Anxietis. *Raisina Files*, 03.
 33. Sassen, S. (2019). *Everyday Tech: In Search of Mundane Tactics, Technologies of International Relations*, Palgrave Pivot. Switzerland, Springer Nature.
 34. Scholvin, S., Wigell, M. (2018). Power politics by economic means: Geoeconomics as an analytical approach and foreign policy practice. *Comparative Strategy*, 37(1), 73-84. <https://doi.org/10.1080/01495933.2018.1419729>
 35. Schumpeter J. (1942). *Capitalism, Socialism and Democracy*. New York: Harper.
 36. Smith, R. (2005) Networking the City. *Geography*, 90(2), 172-176. <https://doi.org/10.1080/00167487.2005.12094129>
 37. Stalder F. (2002). The Status of Objects in the Space of Flows. *McLuhan Program in Culture and Technolgy*, University of Toronto, 14-16.
 38. Stepien, T. (2016). *Technological Turn and the New Framework of International Relatios*. UK: Cambridge Scholars Publishing .
 39. Taylor, P. Michael, H., Walker, D., Szegner, M. (2001). A New Mapping of the World for the New Millennium. *The Geographical Journal*, 167(3), 213-222. <https://doi.org/10.1111/1475-4959.00019>
 40. Thrift, N., Amin, A. (2002). *Cities: reimagining the urban*, Cambridge: Polity Press.
 41. Vlado, Ch., Deniozos, N., Chatzinikolaou, D. (2019). Dialectical prerequisites on Geopolitics and Geoeconomics in Globalization's Restructuration. *Journal of Economic and Social Thought*, 6(2), 65-92.

Translated Refrences to English

1. Aaltola, M., Mikkola, H., Behr, T. (2014). Towards the Geopolitics of Flows, Implications for Finland. Finland: Institute of International Affairs, Fiia Report 40.
2. Acuto, M., Carr, M., Kaltofen, C. (2019). *Conversations on Technology and IR, Technologies of International Relations: Continuity and Chang*. UK: University College London.
3. Ahmadi Nohadani, S. (2020). The Geopolitics of Iran According to the Theory of Geographical Buffer Spaces. *Brazilian Journal of Strategy & International Relations*, 9(17). 180-200. <https://doi.org/10.22456/2238-6912.97198>

4. Albagli, S. (2017). Technical-Scientific-Informational Milieu, Networks and Territories. *Springer International Publishing*. 33-43. 10.1007/978-3-319-53826-6_3
5. Barzegar, K., Rezaei, M. (2017). The Future of Contested Strategic Competitions in the Indian Ocean. *Politic Quarterly*, 47(1). **(In Persian)**
6. Bidwell, A., MacDonald, W. (2018). Emerging Disruptive Technologies and Their Potential Threat to Strategic Stability and National Security. *Federation of American Scientists*, Speccial Report.
7. Borchert, H. (2019). Flow Control Rewrites Globalization: Implications for Business and Investors. *Strategic Assessment*, January.
8. Castells, M. (1999). Grassrooting the Space of Flows. *Urban Geography*, 20(4), 294-302. DOI: 10.2747/0272-3638.20.4.294
9. Castells, M. (2002). *The Information Age: Economy, Society and Culture*. Translate by Aligholian and Khakbaz, Tehran, New Plan Publications. **(In Persian)**
10. Ciuriak, D. (2019). Goeconomic Disruption: A Comment on the Causes, Consequences and Policy Responses, *Washington DC: Workshop in Cato Institute*.
11. Christensen, M. (1997). *The Innovator's Dilemma*. Harvard College.
12. Coe, M., Dicken, P., Martin H. (2008). Global production networks: realizing the potential. *Journal of Economic Geography*, 8(3), 271-295. doi:10.1093/jeg/lbn002.
13. DHL GLOBAL CONNECTEDNESS INDEX (2020). The State of Globalization in a Distancing World , <https://www.dhl.com/content/dam/dhl/global/dhl-spotlight/documents/pdf/spotlight-g04-global-connectedness-index-2020.pdf>
14. Diesen, G. (2021). *Great Power Politics in the Fourth Industrial Revolution*. New York, Bloomsbury Publishing Plc.
15. Farahmand, M., Motaghi E., Mirkoshesh A. (2021). US-China Hegemonic Rivalry and Its Impact on World Energy and Oil Flows, *International Studies Journal*, 18(1). 10.22034/ISJ.2021.275506.1413 **(In Persian)**
16. Fischer, S. (2018), Technological Innovation and the Geopolitics of Energy. *Center for Security Studies (CSS)*, 23.
17. GaWc. (2016). World City Network 2016: Service Value Matrix and Global Network Connectivities: <https://www.lboro.ac.uk/gawc/datasets/da28.html>
18. Ghoorchi, M. (2020). Space of Flows and Challenges of Regionalism. *Shargh Newspaper*, **(In Persian)**

19. Hajiousefi, A., Narouei, H. (2021). Geopolitics, Geo-economics and the Prospect of Iran-India Cooperation in Chabahar. *International Quarterly of Geopolitics*, 17(3), 61-87. 20.1001.1.17354331.1400.17.63.3.8. **(In Persian)**
20. Hesse, M. (2010). Cities, material flows and the geography of spatial: urban places in the system of chains. *Global Networks*, 10(1), 75-91. <https://doi.org/10.1111/j.1471-0374.2010.00275.x>
21. <https://data.worldbank.org/indicator/BX.KLT.DINV.CD.WD>
22. <https://data.worldbank.org/indicator/LP.LPI.OVRL.XQ?view=chart>
23. ISNA. (2021). Why "Chabahar" did not become "Jabal Ali" at: [?https://www.isna.ir/news/99122721319/%DA%86%D8%B1%D8%A7](https://www.isna.ir/news/99122721319/%DA%86%D8%B1%D8%A7) **(In Persian)**
24. Jaeger, B. (2020). Geoeconomics in the light of International Political Economy. *Brazilian Journal of Political Economy*, 40(1), 22-36. 10.1590/0101-31572020-2982
25. Kastner, A. (2021). 7 views on how technology will shape geopolitics. Lead, *Geopolitical Agenda*, World Economic Forum. at: <https://www.weforum.org/agenda/2021/04/seven-business-leaders-on-how-technology-will-shape-geopolitics/>
26. Khalili, M., Menshadi, M., Azmodeh, F. (2012). Geoeconomic Requirements for the Development of the Southeastern Region of Iran. *Foreign Relations*. 3(4), 81-124. **(In Persian)**
27. Kogler, D. (2017). Evolutionary Economic Geography – Theoretical and Empirical Progress. *Regional Studies*. 49(5), 705-711. at: <https://doi.org/10.1080/00343404.2015.1033178>
28. Kuznetsov, S., Lachininsky, S. (2014). Modern Understanding of 'Geoeconomic Position' and the Saint Petersburg Agglomeration. *Baltic region*, 1(19), 79-92. <https://doi.org/10.5922/2079-8555-2014-1-7>
29. Laudicina, P., Peterson, E., McCaffrey, R. (2018), Competition, Disruption, and Deception: Global Trends 2018-2023. *Global Business Policy Council*, A.T. Kearney
30. Leonard, M. (2016). The Age of Economic Coercion: How Geo-politics is Disrupting Supply Chains, Financial Systems, Energy Markets, Trade and the Internet. *Global Agenda Council on Geo-economics*.
31. Masoud, A., Zakerian, M., Ghavam, A., Ahmadi, H. (2020). Reflections of the continuity of Iran's strategic culture on construction and foundation of regional policies

- of the Islamic Republic of Iran. *International Studies Journal*, 17(2), 97-114. 10.22034/isj.2020.120534 **(In Persian)**
32. McKinsey Global Institute. (2019). Globalization in Transition: The Future of Trade and Value Chains. at: <https://www.mckinsey.com/featured-insights/innovation-and-growth/globalization-in-transition-the-future-of-trade-and-value-chains>
33. Mesthene, G. (1968). How Technology Will Shape the Future. *Science*, 161(38), 135-143.
34. Minaei, M. (2005). The geoeconomic status and position of the Islamic Republic of Iran and its role in keeping and promoting national security. *Geographical Quarterly of Territory*, 2(6), 15-25. **(In Persian)**
35. Mohamadi, M. (2021). Iran's limited opportunity to play a role in Iraq's transit and trade: <https://masireqtesad.ir/119312>. **(In Persian)**
36. Moisiso, S. (2018). Towards Geopolitical Analysis of Geoeconomic Processes, *Geopolitics*, 23(1), 22-29. <https://doi.org/10.1080/14650045.2017.1326481>
37. Mojska, K. (2016). *New Technologies as a Factor of the Spatial Turn in International Relations*, UK: Cambridge Scholars Publishing.
38. Mousavi, S., Ghaffari, M., Shariati, Sh. (2021). Geopolitical Consequences of Expanding China-Turkey Relations on Iran. *International Quarterly of Geopolitics*, 17(2), 119-148. 20.1001.1.17354331.1400.17.62.5.8. **(In Persian)**
39. Passi, R., Pant, V. (2018). Debating Disruption: Change on Continuity, *Raisina Files*, 03.
40. Raeder, S., Fortaleza, M. (2016). Geography and Technological Innovation. *Geografia e inovação tecnológica*, 15(2), 77-90.
41. Rezaei, M. (2019). Chabahar Terrorist Attack and the Emergence of Disruption. Middle East Strategic Studies Center, **(In Persian)**
42. Saran, S., Deo, A. (2018). Globalisation, Demography, Technology, and New Political Anxieties. *Raisina Files*, 03.
43. Sassen, S. (2019). *Everyday Tech: In Search of Mundane Tactics, Technologies of International Relations*, Palgrave Pivot. Switzerland, Springer Nature.
44. Scholvin, S., Wigell, M. (2018). Power Politics by Economic Means: Geoeconomics as an Analytical Approach and Foreign Policy Practice. *Comparative Strategy*, 37(1), 73-84. at: <https://doi.org/10.1080/01495933.2018.1419729>

45. Schumpeter J. (1942). *Capitalism, Socialism and Democracy*. New York: Harper.
46. Short, J., Kim, Y. (2004). *Globalization and the City*. Translate by Kazemi P, Tehran: Urban Planning and Processing Publications. **(In Persian)**
47. Smith, R. (2005) Networking the City. *Geography*, 90(2), 172-176. at: <https://doi.org/10.1080/00167487.2005.12094129>
48. Stalder F. (2002). The Status of Objects in the Space of Flows. *McLuhan Program in Culture and Technology*, University of Toronto, 14-16.
49. Stepien, T. (2016). *Technological Turn and the New Framework of International Relations*. UK: Cambridge Scholars Publishing.
50. Taylor, P. Michael, H., Walker, D., Szegner, M. (2001). A New Mapping of the World for the New Millennium. *The Geographical Journal*, 167(3), 213-222. <https://doi.org/10.1111/1475-4959.00019>
51. Thrift, N., Amin, A. (2002). *Cities: reimagining the urban*, Cambridge: Polity Press.
52. Vlado, Ch., Deniozos, N., Chatzinikolaou, D. (2019). Dialectical prerequisites on Geopolitics and Geoeconomics in Globalization's Restructuration. *Journal of Economic and Social Thought*, 6(2), 65-92.